

اطلاعیه شماره ۱۰

جوسازی و شانناژ

در صفحه‌ی فیسبوکِ کوروش سلحشور علیه جمعی از رفقا

وظیفه‌ی ما در این کمیسیون بحث به منظور «اصلاح» یا «ارشاد» هیچ فرد یا تشکیلاتی نیست. آنچه که این کمیسیون به عنوان وظیفه به عهده گرفته، شناسایی و معرفی افراد/تشکیلاتی است که برای تخریب بحث‌های مهم و اساسی درون جنبش کارگری و به انحراف کشیدن مسایل تعیین کننده، عینی، میرم و فوری افسار تحت ستم کارگری از هیچ عمل شنیعی، هر چند هم زننده، رویگردان نیستند. آشنایی با این افراد و تشکیلات احتمالی/قطعی آن‌ها، می‌تواند زنگ خطری برای نیروهای انقلابی و پیشروی کارگری باشد. با اینان باید از همان ابتدای راه، جایگاه خود را روشن نمود و نیروهای متحد خود را آگاهانه انتخاب کرد.

کوروش سلحشور پُستی را با لحنی بسیار زننده در صفحه‌ی خود گذاشت که در واقع جوابی بود به کامنت رفیق تراب ثالث در صفحه‌ی شخص دیگری به نام حسن مرتضوی. در زیر پست سلحشور رفقای چند از او پرسیدند که موضوع از چه قرار است؟ او در جواب، کامنت رفیق تراب ثالث را گذاشت. اما

این عمل سلحشور جوابگوی سنوالات رفقا نبود. رفقا هر کدام شروع به انتقاد از او کردند و او هر بار جواب پاره ای از رفقا را با تندخویی و توهین می‌داد. رفقا باز هم با آرامش با او برخورد کرده و خواستار توضیح مشکل او با کامنت رفیق تراب ثالث شدند.

این کشمکش چند روز پیش (روزهای ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹) رخ داد. در روز دوم آن با حذف و بلوکه شدن سه تن از رفقا (بهرروز رضوانی، یاشار آذری و سمیرا یادگار) و برخی دیگر از شرکت کنندگان پایان یافت.

در این اطلاعیه قصد ما مطرح کردن ریزه کارهایی که عاقبت باعث شد که کوروش سلحشور این رفقا را حذف و بلوکه کرده و حتی برخی از رفقا نیز با میل خود این صفحه را ترک کنند، نیست. آنچه که در اینجا ما به شکل اطلاعیه می‌خواهیم روشن کنیم، اصل موضوع یعنی حق آزادی بیان است. به عبارت دیگر ما در این کمیسیون معتقدیم که صرف نظر از اینکه یک نظریه‌ای درست یا غلط، انقلابی یا ضدانقلابی باشد، صاحب نظریه حق دارد نظر خود را ادا کند. این نظریه سپس مورد انتقاد سالم بقیه رفقای شرکت کننده قرار گرفته و هر کس حق دارد از آن نظریه دفاع کرده و یا آن را رد کند. حقانیت هر نظریه‌ای ابتدا متکی به دلایل منطقی آن است و دوم در نتیجه آزمایش آن، زمانی که به رشته‌ی عمل درآورده شده یا در پراکسیس. افراد باید در انتخاب نظر آزاد باشند و بتوانند، دلایل خود را بدون اینکه مورد حمله قرار گیرند، ابراز کنند. این است روش انقلابی دموکراسی کارگری!

در این راستا ما، تمام کسانی که به هر دلیلی یا به هر نحوی باعث سرکوب و خفقان نظرات مخالف خود می‌شوند را محکوم کرده و آن را نیروهای خائن به مبارزات انقلابی کارگری می‌دانیم. این دسته از افراد که به محض تنگ

آمدن قافیه به هر گونه تهمت، افترا، فحاشی و توهین روی می‌آورند، آلوده به فرهنگ خرده بورژوازی و بوروکراتیک استالینیستی هستند و در تاریخچه این فرهنگ، همگان دیده و تجربه کرده اند که میزان شرارت و جنایت بوروکراسی استالینیستی، حد و مرزی نمی‌شناشد. اینگونه عناصر یا سهواً یعنی در نتیجه‌ی ترکیب فرهنگ بوروکراتیک و خرده بورژوازی استالینیستی با فرهنگ خرده بورژوازی قومی (یا ایلی یا فامیلی) آن اقلیت ملی زادگاه خود، به انسان‌هایی بوروکرات و دیکتاتورمآب تبدیل شده‌اند که حرف را فقط با زور می‌فهمند و با زور هم حرف خود را می‌خواهند جا بزنند. هر دوی این فرهنگ‌ها و یا ترکیب این دو، هیچ تفاوتی با فرهنگ نظام سرمایه‌داری کمپرادر حاکم بر رژیم اسلامی ایران ندارد. این نوع عناصر می‌توانند همان اندازه عقب‌افتاده و جنایت‌پیشه باشند که رژیم اسلامی ایران در حال حاضر هست.

و یا عمداً یعنی عناصر حزب توده، اکثریتی‌ها و حزب چپ - و کسانی که با این‌ها چه آگاهانه و چه ناآگاهانه در ارتباط هستند - که ما نه تنها نقش مخرب آن‌ها را در خیزش آبان امسال مردم تحت ستم ایران دیدیم و دیدیم که چگونه مردم بی‌دفاعی را که آمادگی هیچ مبارزه را نداشتند، با دست خالی، بدون برنامه، بدون تشکیلات انقلابی کارگری به میدان‌ها فراخواندند و در تیررس عمال جنایتکار رژیم قرار دادند. ماهیت حزب توده و اکثریتی‌های خانن که از قبل بر ما روشن بود. اما حالا پس از تجربه مواضع لغزنده و گنج حزب چپ ایران نیز به ماهیت خیانتکار این حزب بدون هر گونه تردیدی آگاه گشتیم. به قول لنین هر تشکیلاتی اگر توان برانداختن حکومت سرمایه‌داری را ندارد و

توده ها را به خیابان برای مقابله با رژیم سرمایه داری دعوت می کند یک جنایتکار است.

در صفحه آقای کوروش سلحشور، در رابطه با کامنت رفیق تراب ثالث (در صفحه حسن مرتضوی) اما، ایشان نه تنها نتوانستند دلایلی برای رد کامنت رفیق تراب ثالث بیاورند، بلکه با فحاشی، توهین، تهمت و افترا به این رفیق (که حضور نداشت) و رفقای که صرفاً داشتند بحث می کردند، کوشید تا با لوث کردن جریان، خود را از بحث نجات دهد. اما از آنجایی که با برخورد منطقی و اصولی پاره ای از رفقا روبرو شد و متوجه شد که حلقه ی خفقان و سرکوبی که قصد داشت به گردن این رفقا بیاندازد، عاقبت به گردن خودش تنگ و تنگ تر شد، لذا مجبور شد تا جمعی از رفقا را حذف و بلوکه بکند.

نکته مهم و قابل ملاحظه دیگر اینکه کوروش سلحشور بدون ارائه مدرک، در این پست خود مدعی شده است که یاسمین میظر و تراب ثالث «تکلیفشان را با جنبش کارگری و کمونیستی روشن کرده اند». به این معنا که مواضع تراب ثالث و یاسمین میظر یکی است. در نتیجه می خواهد تراب ثالث را از طریق یاسمین میظر بکوبد، زیرا در باره مواضع خود رفیق تراب ثالث بهانه ای نمی تواند بیابد. در حالی که این دو حتی در یک تشکیلات با هم همکاری نمی کنند. در ثانی اگر فرض کنیم که این دو در یک تشکیلات هم باشند، باز مواضع یکی چه ارتباطی به مواضع دیگری دارد، زیرا آن موقع باید مواضع آن تشکیلات را کوبید. بحث در اینجا نه دفاع از این دو نفر است و نه کوبیدن یکی علیه دیگری، بلکه منظور نشان دادن برخوردارهای فرصت طلبانه و بوروکراتیک این عناصر استالینیست است که تنها در پشت پرده ی بهانه و دسیسه و جوسازی با مخالفان خود برخورد می کنند. این امر

به تنهایی اقدامی است سرکوبگرانه و بوروکراتیک علیه آزادی بیان که مبارزه با آن جدا از مبارزه با فرهنگ و خط مشی استالینیستی نمی باشد. هدف ما از این افشاگری کمک به بهتر شناختن نیروهای استالینیستی و بعضاً خاننی است که درون جنبش کارگری در داخل و خارج از ایران بشدت فعال بوده و برای منحرف کردن مبارزات طبقاتی و انقلابی کارگران آستین های خود را بالا زده اند.

در اینجا مهم است که ما از اساس به این قبیل برخوردها بپردازیم و افراد را دقیقاً برای همان چیزی که هستند خطاب کنیم، از جمله حسن مرتضوی، کوروش سلحشور، هژیر پلاسچی، آرش آتش و فرج سرکوهی که هر کدام به روش خود و آن طور که در واقع شایسته خودشان است از طریق سکوت (مثل حسن مرتضوی)، طنز مسخ کننده (مثل هژیر پلاسچی و فرج سرکوهی) و توهین و افترا به رفیق تراب ثالث (مثل کوروش سلحشور و آرش آذر یا آرش دوست حسینی). ما در این کمیسیون در رابطه با این افراد و برای بهتر روشن کردن این «اتحاد مقدس» به زودی مقاله مفصلی بیرون خواهیم داد.

اهداف پست را وسیله های پست شایسته است!

مرگ بر بوروکراسی و جاه طلبی!

۹ دسامبر ۲۰۱۹

۱۹ آذر ۱۳۹۸

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری